

«لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها» قطع عضو بدون بیهوشی!

که با اکثریت آرا به تصویب رسید و موضوع هدفمند کردن یارانه‌ها از بودجه سال جاری حذف شد.

در ماه‌های اخیر تقریباً روزی نبود که نه اخباری معمولی بلکه خبرهایی داغ در قالب گزارش، مصاحبه، تحلیل و غیره درباره کم و کیف این موضوع در رسانه‌ها منتشر نشود. موضوعی که دیگر نه یک مسئله صرفاً اقتصادی بلکه «مرزی» شد روشن و مشخص بین موافقان و مخالفان دولت نهم. ادبیات شکل گرفته حول این موضوع نیز ادبیاتی است ارزشمند و نیز فرصتی است نیکو برای نظریه‌پردازان اقتصادی و سیاسی که هر یک متاع خود را عرضه کنند. شکل‌گیری این فضا البته چندان عجیب نیست چرا که حذف یارانه‌ها آن هم یارانه انرژی از اقتصاد کشور که دهه‌هاست به آن خو گرفته شده و در واقع عضوی شده است از پیکر اقتصادی کشور؛ اتفاقی است تاریخی. اما نکته دیگری که این طرح که در یکی از

کمیسیون‌های مجلس در دست بررسی است را به موضوع داغ رسانه‌ها تبدیل کرده است زمان و سرعت طرح موضوع است. چرا که

همانطور که از ابتدا حدس زده می‌شد، عاقبت کار لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها امری پیچیده از آب درآمد. چنانکه پس از کشاکش بسیار به تعبیر یکی از روزنامه‌ها «حذف یارانه‌ها منتفی شد»^۱. قضیه اینگونه به انتها رسید که کمیسیون تلفیق مجلس کل مبلغ یارانه نقدی را از رقم ۳۴ هزار میلیارد تومان دولت به ۲۰ هزار میلیارد تومان کاهش داد که از این رقم، مبلغ ۸۵۰۰ میلیارد تومان برای هزینه در بخش‌های جاری و عمرانی در اختیار دولت قرار می‌گرفت و رقم ۱۱۵۰۰ میلیارد تومان با نظر دولت بین دو گروه دیگر یعنی خانوارها و بخش‌های تولیدی باز توزیع می‌شد و سهم هر فرد در صورت تصویب نهایی این مصوبه از ماهیانه ۲۲ هزار تومان به ۱۴۵۰۰ تومان کاهش می‌یافت. اما نمایندگان مجلس در ادامه بررسی بخش درآمدی لایحه بودجه سال ۸۸ پیشنهاد حذف بند ۳۱ الحاق این لایحه را که به یارانه حامل‌های انرژی می‌پرداخت دادند

هرچند کمتر اقتصاددان و سیاستمداری را در بین جناح‌های مختلف حاکمیت و در سطح ملی و حتی نهادهای بین‌المللی می‌توان سراغ کرد که ضرورت ساماندهی «یارانه‌ها» نفی کند، اما کمتر کسی باور می‌کرد که در این زمان اندک و با چنین سرعتی بتوان به موضوعی بدین درجه از اهمیت لباس اجرا پوشاند و حتی منتظر برنامه توسعه پنجم نیز نماند و بودجه سال آینده را بر محور حذف یارانه‌های عظیم ساماندهی کرد. اما دولت نهم بسیار نشان داده است که از هیچ کاری ابایی ندارد حتی اگر آنکار با بزرگترین چالش اقتصادی کشور در دوران معاصر در ملتهب‌ترین فضای داخلی و خارجی مواجه باشد.

و داروهای یارانه‌ای می‌خوریم. شب خانه‌های-مان را با انرژی یارانه‌ای گرم می‌کنیم، دوش یارانه‌ای می‌گیریم و شام یارانه‌ای می‌خوریم، سریال یارانه‌ای تماشا می‌کنیم، زباله‌هایمان را یارانه‌ای دفع می‌کنیم و در امنیت یارانه‌ای با آرامش می‌خوابیم و فردا صبح زندگی یارانه‌ای را دوباره شروع می‌کنیم، ما با یارانه زنده‌ایم» تصویر فوق به اعتقاد یکی از کارشناسان اقتصادی، تصویری است از زندگی انسان ایرانی در روزگار ما.^۲ به اعتقاد وی آثار یارانه‌ها در ایران از حوزه اقتصاد فراتر رفته و زندگی اجتماعی مردم را نیز در خود حل کرده است.

قدمت یارانه‌ها

اگر از بعضی نشانه‌های مربوط به پرداخت نوعی یارانه در دوره صفوی و قاجار بگذریم «پرداخت یارانه در ایران به مفهوم کنونی آن به دهه ۱۳۴۰ باز می‌گردد که دولت در اقدامی بدیع مصرف دو کالای گوشت و گندم را مورد حمایت قرار داده و به تولیدکنندگان آنها یارانه پرداخت کرد که البته رقم آن چندان قابل توجه نبود».^۳ اما تأثیرگذاری یارانه‌ها در زندگی و عرصه اقتصادی به سال‌های جهش قیمت نفت در ۱۳۵۳ و افزایش درآمد ارزی کشور از ۳ به ۲۰ میلیارد دلار بر می‌گردد.

چنان که در سال ۱۳۵۶ دولت صندوقی به نام صندوق حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان تأسیس کرد و «یارانه‌ها در ایران یک سازمان و متولی رسمی پیدا کرد و

ارائه یک تصویر

«ما مردم، صبح که بیدار می‌شویم نان و شیر و پنیر و چای شیرین یارانه‌ای می‌خوریم. بچه‌هایمان را به مدرسه یارانه‌ای می‌فرستیم و با وسایل حمل و نقل یارانه‌ای (تاکسی، اتوبوس، مترو، قطار و هواپیما) به سر کارمان می‌رویم. روزنامه‌های یارانه‌ای را می‌خوانیم و کتاب‌های یارانه‌ای را مطالعه می‌کنیم و کاغذهای اداری یارانه‌ای را سیاه می‌کنیم، ظهر که گرسنه می‌شویم برنج، گوشت و روغن یارانه‌ای می‌خوریم و غروب دوباره با وسایل یارانه‌ای به خانه‌هایمان برمی‌گردیم. عصر روزهای تعطیل فوتبال یارانه‌ای تماشا می‌کنیم و اگر سرمان درد گرفت به دکتر یارانه‌ای می‌رویم

شرایط و زمینه برای دائمی شدن آن فراهم شد.^۴ پس از انقلاب و با وقوع جنگ نیاز به یارانه‌ها جهت کنترل اوضاع اقتصادی کاملاً ضروری تشخیص داده شد و در ادامه نیز طی یکی دو دهه به عنوان جزئی از ساختار اقتصاد کشور درآمد چنانکه حدود ۲۵ درصد از تولید ناخالص داخلی به یارانه‌ها اختصاص یافت.

مسئله طرح می‌شود، اختلافات بالا می‌گیرد

اگر چه وظیفه کاهش سهم دست کم بخشی از یارانه‌ها از برنامه‌های دوم توسعه اقتصادی به بعد مورد تأکید قانون‌گذار قرار گرفت^۵ و در طی این سال‌ها نیز به موضوع کشمکش بعضاً شدید میان جناح‌های حکومتی در مجلس و دولت تبدیل شد. اما اقدام عملی برای انجام این کار با سخنرانی محمود احمدی‌نژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۸۶ و سپس پیام تبریک وی به مناسبت شروع سال ۱۳۸۷ و اعلام «جراحی بزرگ» در اقتصاد کشور کلید خورد. نخستین گام البته با تعجب کارشناسان، توزیع فرم‌های ۲۸ سؤالی بود. تعجب از آن رو که تکمیل این فرم‌ها در شرایطی از مردم درخواست می‌شد که اصولاً اطلاعی از چند و چون طرحی که بعدها به «هدفمند کردن یارانه‌ها» مشهور شد و در قالب لایحه به مجلس ارائه شد، وجود نداشت. به فرم‌های توزیع شده نیز اشکالات بسیاری همچون: غیرقانونی بودن ارائه اطلاعات افراد از سوی سازمان آمار به

بخش‌های مالیاتی و یا مشابه، عدم پوشش فعل و انفعالات اقتصادی افراد و خانوارها، (تنوع دارایی‌ها، تنوع جریان‌های درآمدی و غیره)، نامشخص بودن و یا امکان‌ناپذیر بودن طریق تعیین صحت اطلاعات و به‌روز کردن آنها، سوق دادن جامعه به ریا و غیره^۶ وارد شد.

اوج ماجرا زمانی بود که پس از بارها تعویق بالاخره رئیس‌جمهور به مجلس رفت و ضمن ارائه لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها، در اهمیت و ضرورت این طرح سخن گفت. وی در مورد پشتوانه کارشناسی لایحه گفت: «برای تحقق اهداف اقتصادی بیش از سه سال قبل یک شورای راهبری اقتصادی در دولت شکل گرفت که هدف آن شناخت موانع تحرک بالای اقتصادی بود ... یک سال و نیم بعد مشکلات ساختاری اقتصادی شناسایی شد» این گروه کارشناسی «مجموعه عوامل اصلی دست‌اندرکار آسیب‌رسانی اقتصاد کشور را در ۷ نظام طبقه‌بندی نمود. مالیات، یارانه، گمرک، بانک‌ها، ارزش‌گذاری پول ملی و نظام توزیع کالا و خدمات و بهره‌وری...» به گفته احمدی‌نژاد بر اساس گزارش کارشناسی «نسبت یارانه در تولید داخلی ۲۹ درصد است و ۲۶ درصد آن مربوط به انرژی است. در حالی که در کشورهای دنیا از انرژی مالیات می‌گیرند. در ایران از سال ۸۰ تا ۸۵ حدود ۹۲ درصد هزینه‌های جاری کشور اختصاص به انرژی داشته و در سال ۸۵ به ۹۵ درصد رسیده است». که این «یارانه‌ها به افراد مرفه

می‌رسد و سه دهک بالای درآمدی چهار برابر سه دهک پایین درآمدی یارانه مصرف می‌کنند...» بر اساس این داده‌های کارشناسی، هدفمند کردن یارانه‌ها «اهدافی همچون اجرای عدالت و رفع تبعیض و بعد استفاده بهتر از منافع کشور و شفاف‌سازی اقتصادی و دادن فرصت به تدبیر و مدیریت صحیح برای اعمال روندهای در دست اقتصادی، کاهش وابستگی به درآمد نفت و افزایش فعالیت‌های عمرانی را دنبال می‌کند.

وی بار دیگر بر کارشناسی لایحه تأکید کرد و گفت «این اولین طرحی است که بیشترین کارشناسی روی آن انجام شده و اولین طرحی است که رهبری عزیز بر کلیات آن صحنه گذاشته‌اند...» محورهای لایحه به گفته احمدی‌نژاد عبارتند از «اصلاح قیمت‌ها، جبران کاهش خرید و توانمندسازی خانوارهای حداقل هر دهک، حمایت از بنگاه‌های تولیدی و صادراتی و جبران هزینه‌های دولت و توسعه و عمران کشور» وی در پاسخ به انتقادات مطرح شده در خصوص تبعات اجرای این لایحه در زندگی روزمره مردم می‌گوید: «یکی از نگرانی‌های اصلی پیرامون هدفمند کردن یارانه‌ها جهشی است که در قیمت‌ها اتفاق می‌افتد، گرچه این جهش در طول ۱۲ تا ۱۸ ماه مستهلاک می‌شود».^۷

این اظهارات با موجی از مخالفت از سوی کارشناسان مواجه شد. فرشاد مؤمنی در خصوص انجام کار کارشناسی بر روی

این لایحه می‌نویسد «... وقتی دیدگاه‌های دولت محترم در جلسه مزبور (جلسه هیأت دولت با اقتصاددانان) مطرح و ثمره مطالعات ادعایی در مورد این کار به بحث گذشته شد، نگرانی‌های خارق‌العاده‌ای را برای کارشناسان ایجاد کرد. چرا که اقتصاددانان دریافتند که بنیان‌های نظری و کارشناسی مباحث مطرح شده بسیار سست است و در فرصت پنج دقیقه‌ای که در اختیار کارشناسان قرار گرفت، عمدتاً متفق‌القول بر این نکته تأکید کردند که با این حد از آگاهی و بصیرت به هیچ وجه صلاح نیست که دولت دست به چنین کار خطیری بزند».^۸

این اقتصاددان در ادامه مطلب خود در پاسخ به آن بخش از استدلال رئیس دولت در مورد شدت مصرف انرژی در کشورمان در مقایسه با سایر کشورها و تحمیل هزینه‌های بسیار از این محل به بودجه دولت می‌نویسد: «شدت بالای مصرف انرژی به هیچ وجه انتخاب مصرف‌کننده نبوده است و خود نهاد دولت با اتخاذ این تصمیم که مصارف خانگی انرژی باید از نفت سفید به گاز تبدیل شود، باعث شده شدت مصرف انرژی در منازل نسبت به قبل از گازرسانی سراسری به شهرها چهار برابر افزایش یابد»^۹ و «نمی‌شود ما به نیروی کار خود دستمزدی در حد بورکینافاسو پردازیم و بعد هزینه‌های آنها را در مقیاس اروپایی مطالعه کنیم. اگر قرار است یارانه‌های پنهان مبنای تصمیم‌گیری قرار گیرد باید دقیقاً

محاسبه کنیم که یارانه‌هایی که دولت به ملت پرداخت می‌کند بیشتر است یا یارانه‌های که ملت به دولت می‌پردازد.^{۱۱}

اما شاید بیشترین انتقاد به آن بخش از سخنان احمدی‌نژاد وارد شد که وی «نگرانی‌های پیرامون هدفمند کردن یارانه‌ها را ناچیز و «جهشی دانست که در قیمت‌ها» اتفاق می‌افتد و «در طول ۱۲ تا ۱۸ ماه مستهلاک» می‌شود. مظاهری عنوان داشت که «اگر پیش‌نیازهای اجرای طرح تحول اقتصادی فراهم نشود، جهش قیمت‌ها تبدیل به تورم فزاینده با نرخ‌های صعودی خواهد شد».^{۱۲}

رئیس کمیسیون بودجه و محاسبات مجلس یادآور شد که «در حال حاضر همه بنگاه‌های ما ورشکسته‌اند یعنی حتی یک بنگاه هم نداریم که سرپای خود باشد. ما یک عصا را زیر بال بنگاه‌های تولید برق، آب و غیره گذاشته‌ایم و اگر این عصا را برداریم همه آنها می‌افتند».^{۱۳}

فرشاد مؤمنی نیز به شدت به این اظهارات حمله می‌کند و می‌نویسد «این توجیه که جهش قیمت‌ها، منجر به تورم نخواهد شد و دوره‌ای است به نظر من یکی از خام‌ترین و بی‌پایه‌ترین استدلال‌هایی است که در چند ماه گذشته شنیده‌ام... جهش قیمت‌ها فقط در یک شرایط با ثبات، آن‌هم در فضای سالم اقتصادی و در چارچوب قدرت نهادی منعطف است که می‌تواند اثرات تک دوره‌ای داشته باشد. در حالی که همه ما طی ۲۰ سال گذشته با پوست و گوشت و استخوان لمس

کرده‌ایم که در درجه اول بی‌ثباتی مشخصه کلیدی فضای اقتصاد کلان ما بوده، ضمن آنکه اکثریت قریب به اتفاق عرضه‌کنندگان کالا و خدمات در ایران، قدرت قیمت‌گذاری دارند و به همین دلیل هر تغییری در هر قیمتی در ایران توجیهی شده برای صاحبان سایر کالاها و خدمات که قیمت‌ها را چند برابر افزایش دهند».^{۱۴} در لایحه ارائه شده از سوی رئیس جمهور به مجلس در پاسخ به نقدهایی همچون نقد موسی غنی‌نژاد نیز که معتقد است «باتوجه به شکاف گسترده‌ای که در سایه اجرای سیاست‌های نادرست تثبیت قیمت‌ها به وجود آمده، این اصلاح نباید دفعتاً و ضربتی صورت گیرد تا فشار زیادی به مصرف‌کنندگان وارد نشود».^{۱۵} زمانبندی اجرای طرح چنین مشخص شده است که حداکثر ظرف ۳ سال قیمت فروش داخلی بنزین، نفت، گاز، نفت کوره، نفت سفید، گاز مایع و سایر مشتقات متناسب با قیمت فوب خلیج فارس و شرایط اقتصادی کشور به گونه‌ای معین شود که قیمت حامل‌های یاد شده کمتر از ۹۰ درصد قیمت‌های فوب خلیج فارس باشد. همچنین قیمت فروش داخلی گاز طبیعی ظرف همین مدت معادل ۷۵ درصد متوسط قیمت گاز طبیعی صادراتی شود و قیمت فروش داخلی برق و آب هم در مدت ۳ سال آینده معادل حداقل قیمت تمام شده آن باشد. البته این لایحه در ماده‌ای به مقررات قانون کار نیز پرداخته و آورده است که با اصلاح بخشی از قانون کار

افزایش سالانه حقوق کارگران متوقف می‌شود. ۳۷ درصد خواهد بود.^{۱۶}

ادامه ماجرا

با همزمان شدن ارائه این لایحه با لایحه بودجه سال جاری وضعیت پیچیده‌تر هم شد، چنانکه از تعیین قیمت ۲۰۰ تا ۴۰۰ تومانی برای بنزین و ۵۰ تا ۱۰۰ تومانی برای گازوئیل در لایحه بودجه سخن گفته می‌شد و اما علیرغم این وضعیت دشوار و شایعاتی که از همان ابتدای طرح موضوع، در خصوص اهداف سیاسی و نه اقتصادی داشتن این طرح به گوش می‌رسید.^{۱۷} دولت همچنان بر تصمیم خود استوار باقیمانده و ضمن رد این گمانه‌زنی‌ها، هدف خود را اصلاح ساختاری ذکر می‌کرد که «سعی دارد یارانه‌ها را از مصرف به سمت تولید سوق دهد و با شناسایی اقشار آسیب‌پذیر نسبت به زیر پوشش قرار دادن افراد مذکور اقدام کند...»^{۱۸} اما گروه‌های سیاسی و کارشناسان اقتصادی این پاسخ را چندان جدی نگرفته و از جمله بر ضعف‌ها و تناقض‌های ذیل اشاره می‌کنند:

– فقدان راهبرد و هدف هماهنگ، مدون و مشخص از سوی دولت نهم در حوزه اقتصاد چنانکه روزی سخن از طرح تثبیت قیمت‌ها و روزی دیگر، سخن از آزادسازی قیمت‌ها می‌رود، یک روز از قصد کوچک‌سازی سخن به میان می‌آید و روز دیگر طرحی داده می‌شود که ابعاد دخالت دولت را در حوزه اقتصاد و زندگی مردم را فزونی می‌بخشد. از یک سو صنایع و خدمات دولتی به بخش خصوصی

این محمل به حسابی واریز و به ترتیب ۶۰ درصد آن به خانواده‌ها و نظام تأمین اجتماعی، ۱۵ درصد مصرف سرمایه‌گذاری و یا پرداخت به تولیدکنندگان و ۲۵ درصد نیز در اختیار دولت قرار خواهد گرفت تا با تصویب هیأت امنای هزینه شود.^{۱۵}

بدین ترتیب چنانکه مشاهده می‌شود لایحه بر سه بخش استوار است: آزادسازی قیمت‌ها، ۲- توزیع یارانه نقدی، ۳- رهاسازی بازار کار و سرمایه.

البته ناگفته پیداست که سرنوشت تمامی این تئوری‌ها و اعداد و ارقام به یک چیز گره خورده است و آن قیمت جهانی «نفت» است. ماده‌ای که هر روز قیمت آن در حال تغییر است و اکنون نیز در سراسری سقوط قرار دارد. به گفته رامین پاشایی فام معاون بانک مرکزی سهم یارانه نقدی هر ایرانی را بر اساس سناریوهای مختلف چنین است «براساس قیمت نفت ۳۵ دلار چنانکه بخواهیم ۶۰ درصد آن را توزیع مجدد و نقدی کنیم به دهک‌های پایین درآمدی حداقل ۱۹ هزار و ۵۰۰ تومان و حداکثر ۲۶ هزار تومان برای هر نفر در هر ماه اختصاص می‌یابد. نرخ تورم در این سناریو ۳۱ درصد خواهد بود. در سناریو قیمت نفت ۴۸ دلاری در هر ماه حداقل ۳۲ هزار تومان و حداکثر ۴۳ هزار تومان به هر نفر اختصاص خواهد یافت و نرخ تورم

واگذاری می‌شوند و از سوی دیگر، دولت اقدام به سرمایه‌گذاری‌های مجدد و گسترده‌تر می‌کند. خلاصه آنکه دولت فاقد تئوری اقتصادی مشخص است.

- فقدان ثبات سیاسی و اقتصادی لازم جهت انجام چنین طرح‌هایی چرا که در شرایطی که تشنجات بین‌المللی و تحریم‌های گسترده اقتصادی و تورم شدید بنیه اقتصادی کشور را تحلیل برده و انزوایی تحمیلی، اقتصاد بیمار ایران را ناتوان‌تر ساخته است و در فضایی که دولت در قله محبوبیت سیاسی خود قرار ندارد انجام چنین اقدامی به بی‌ثباتی‌ها دامن خواهد زد.

- سقوط قیمت نفت خام و کاهش شدید و یا بخار شدن درآمد مورد انتظار دولت جهت تأمین اعتبارات مورد نیاز پرداخت یارانه‌های نقدی و عدم امکان اتکا به درآمدهای حاصل از بازار این کالا.

- عدم وجود نظام تأمین اجتماعی توانمند جهت تحت پوشش قرار دادن اقشار آسیب‌پذیر در روند اجرای طرح. درحالی‌که در بین کارشناسان تأمین اجتماعی نوعی اتفاق نظر وجود دارد که سازمان تأمین اجتماعی ایران در بدترین وضعیت تاریخی خود قرار دارد.

- نامناسب بودن فضای کسب و کار و قرار داشتن کشورمان در رتبه‌های پایین جدول جلب سرمایه‌گذاری خارجی

- نامشخص بودن سیاست‌های مکمل همچون برنامه‌های تنظیم بازار کالاهای

اساسی همگانی (از طریق ذخیره‌سازی مناسب، مشارکت اصناف و...) نظارت بر حمل و نقل درون و برون شهری، دسته‌بندی و حمایت هدفمند و هوشمند از فعالیت‌های تولید و صادراتی و سرانجام برنامه‌های سیاسی برای پیش‌بینی و پیش‌گیری و واکنش به برخی سوء استفاده‌های اجتناب‌ناپذیر.

- ایجاد یک فرصت سیاسی دائمی که نامزدهای ریاست جمهوری در هنگام انتخابات، افزایش مبلغ پرداختی به مردم را شعار انتخاباتی خود کنند و مسابقه‌ای درمی‌گیرد که کدام دولت بیشتر پول نقد می‌دهد و انتخابات به مزایده تبدیل می‌شود.

- وابستگی هرچه بیشتر مردم به دولت و افزایش حضور دولت در عرصه حیات اقتصادی و اجتماعی که در تضاد با برنامه کاهش تصدی‌گری دولت است.

- تضعیف فرهنگ کار و تولید و افزایش شدن هرچه بیشتر صدقه دولتی.^{۱۹}

به نظر می‌رسد در مجموع می‌توان گفت که علاوه بر آنکه اصولاً انجام چنین طرح بزرگی در ظرف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی فعلی نمی‌گنجد، همچنین به سبب آنکه بیش از پیش سبب تمرکز قدرت سیاسی و اقتصادی دولت شده و به تضعیف نهادهای مدنی و بخش‌های مستقل اقتصادی می‌انجامد، به نفع توسعه و پیشرفت پایدار کشور نمی‌باشد.

هر چند ضرورت‌های بنیادین اقتصادی کشور بی‌شک مانع از آن خواهد شد که این

موضوع از فضای اقتصادی کشور حذف شود. وجه سیاسی ماجرا نیز از صحنه حذف نخواهد شد. پس ماجرا پایان نیافته و همچنان ادامه دارد.

این «جراحی» بزرگ تنها در صورتی می‌تواند موفقیت‌آمیز باشد که با رضایت و اطمینان خاطر بیمار از تبحر و تجربه پزشک جراح، تیم همکار وی و همچنین مناسب بودن امکانات اتاق عمل و پرستاری پس از عمل همراه باشد. اطمینان خاطری که کمتر می‌توان نشانه‌های آن را نه فقط در بین عامه مردم بلکه حتی در سطح خواص و متخصصان اقتصادی و تحلیل‌گران اجتماعی مشاهده کرد. به نظر می‌رسد باید درنگ و تأمل بسیار داشت و از ترس مرگ خودکشی نکرد!

ح. ح

یادداشت‌ها :

۱. روزنامه/ اعتماد، ۸۷/۱۲/۲۰
۲. چالش‌های اصلاح ساختار اقتصاد ایران، *دنیای اقتصاد*، ۱۳۸۷/۲/۲۴
۳. یارنه‌ها نقدی، روزنامه *دنیای اقتصاد* ۱۳۸۷/۱۰/۲۲
۴. همان
۵. تبصره‌های ۱۹، ۲۱ و ۲۹ برنامه دوم و مواد ۴۶ و ۴۷ برنامه سوم و «۳» برنامه چهارم
۶. بیژن بیدآباد، خبرگزاری فارس ۸۷/۵/۸ و «اما و اگرهای پرسش‌نامه اقتصادی خانوار»، روزنامه/ اعتماد ۸۷/۷/۲۰، «ما که پر کردیم اما...» ضمیمه روزنامه/ اعتماد ۸۷/۵/۳۱
۷. *دنیای اقتصادی*، ۸۷/۱۰/۱۱

۸. سرمایه، ۸۷/۱۰/۱۰

۹. همان

۱۰. همان

۱۱. *دنیای اقتصاد*، ۸۷/۱۱/۱۷

۱۲. *دنیای اقتصاد*، ۸۷/۱۰/۹

۱۳. سرمایه، ۸۷/۱۰/۱۰

۱۴. ماهنامه تحلیلی روزنامه *دنیای اقتصاد*، ۸۷/۱۱/۲۳

۱۵. *دنیای اقتصاد*، ۸۷/۱۰/۱۰

۱۶. مرکز پژوهش‌های مجلس طرح اصلاحی و مقایسه‌ای را برای جایگزینی لایحه هدفمند کردن یارانه حامل‌های انرژی در ۱۳ ماده به مجلس ارائه کرد و طی آن خواستار: اصلاح قیمت سوخت طی ۶ سال، حذف یارانه نقدی به جز برای دو دهک پایین جامعه، واقعی کردن قیمت گاز طی ۳ سال، آزادسازی قیمت برق تا پایان برنامه پنجم توسعه، افزایش ۱۰۰ درصدی قیمت سوخت در سال ۸۸ و ... ارائه کرد، *دنیای اقتصاد* ۸۷/۱۱/۱۷

۱۷. پافشاری شدید دولت بر اجرایی شدن این طرح علیرغم مخالفت‌های بسیار، حتی در درون جناح اصولگرا (نقد‌های احمد توکلی و سایت الف و سایت تابناک و فردا و ...). صرف انتخاباتی بودن آن را کم‌رنگ کرده و به این فرض دامن می‌زند که هدف، اجرای پروژه‌ای است که به تضعیف و در نهایت حذف طبقات اجتماعی متوسط و بالا و قدرت‌گیری طبقات فرودست می‌انجامد. گمانه‌زنی که ردپای آن را در بسیاری از برنامه‌ها و فعالیت‌های دولت نهم اعم از مخالفت با نهادهای کارشناسی و برنامه‌ریزی و اصولاً ساختار بورکراسی، نهادها و تشکل‌های مدنی و سیاسی، انجمن‌ها و نهادهای صنفی و اقتصادی بخش خصوصی و خلاصه تمامی نهادهای و نمادهای منعکس‌کننده خواست‌ها و بارتاب‌دهنده ویژگی‌های این طبقات اجتماعی نشان می‌دهد. «ساده انگاری» مناسبات و روابط اقتصادی و اجتماعی صفتی است که می‌تواند در صورت صحت فرضیه فوق برای واضعان آن قائل شد. چرا که ارمغان این تئوری تنها فروپاشی اجتماعی و

اقتصادی است.

۱۸. «پرسش از شما پاسخ از سخنگو»، ضمیمه دنیای

اقتصاد ۸۷/۱۰/۱۱

۱۹. «طرح تحول اقتصادی دولت نهم از نگاه نهضت آزادی ایران»، روز آنلاین، مورخ ۸۷/۵/۲۳، «شوک درمانی، نقدی بر لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها از منظر اقتصاد سیاسی»، فرهاد مؤمنی، روزنامه سرمایه، ۸۷/۱۰/۱۰، «از طرح تثبیت تا طرح تحول» موسی غنی‌نژاد، ماهنامه تحلیلی روزنامه دنیای اقتصاد، ۸۷/۱۱/۲۳، «طرح مظاهری برای اجرای طرح تحول»، دنیای اقتصاد ۸۷/۱۱/۱۷، دکتر نیلی، اعتماد ملی، ۸۸/۲/۱۵

متهم به تضعیف نظام شد. در آن برنامه فردوسی‌پور از عزیز محمدی پرسیده بود که چگونه با برنامه‌ریزی‌های غلطی که در لیگ وجود دارد، فدراسیون فوتبال ایران به عنوان برترین فدراسیون آسیا انتخاب شده است؟ هفته پس از آن نیز در همین برنامه، آخوندی سخنگوی سازمان تربیت بدنی با گفتن آنکه چرا به جای پرداختن به مشکلات ورزشگاه‌ها، از ساخت و سازهای ورزشی دولت نهم در شهرستان‌ها نمی‌گوید؟ او را متهم به داشتن مواضع علیه سازمان تربیت بدنی و مسئولان آن کرد و اینکه و در تلاش است تا چهره‌ای نامناسب از این سازمان و دولت نهم ارائه کند.

نود؛ نمایش تضاد شیشه و سنگ

سنگ

پس از آن بود که کیومرث هاشمی، رئیس مرکز توسعه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای سازمان تربیت بدنی در گفت‌وگویی با ایسنا اعلام کرد: «در شرایطی که جامعه ورزش کشور و دست‌اندرکاران آن تلاش وافر را در جهت ارتقا سطح کمی و کیفی ورزش به ویژه نگاه به حضور افتخارآفرین در عرصه‌های بین‌المللی را در پیش گرفته‌اند تا ورزش کشور آسیب ندیده و به عنوان یک ابزار تربیتی افتخارآفرین پهلوان‌پرور رونق زا و مورد علاقه مسوولین نظام و آحاد ملت ایران در مسیر صحیح و با سرعت مطلوب به پیش رود متأسفانه در برخی برنامه‌های ورزشی شبکه‌های مختلف صداوسیما با استفاده از روش‌های نامعقول و نامتعارف و ابراز نظرات شخصی مجریان سعی

صراحت کلام عادل فردوسی‌پور در برنامه تلویزیونی نود بار دیگر با انتقاد و اعتراض برخی از مسئولان مواجه شد؛ در حالی که در ماه گذشته کشمکش برنامه نود با تعدادی از مسئولان سازمان تربیت بدنی و فدراسیون فوتبال بود. این بار فدراسیون ورزش مجلس نسبت به فردوسی‌پور و برنامه‌اش که در آن از سرمربی جدید تیم ملی - محمد مایلی کهن^۱ - انتقاد شده بود، واکنش منفی نشان داده‌اند.^۲ ماجرا از آنجا آغاز شد که چندی پیش مجری برنامه نود که شاید پرمخاطب‌ترین برنامه این شبکه تلویزیونی است به دنبال انتقاداتش از رئیس سازمان لیگ فوتبال در همان برنامه

در مخدوش کردن وجهه ورزش و به تبع آن نظام داشته‌اند. «او افزود: «این عملکرد جز بی اعتمادسازی مردم به نظام که عمدتاً از طریق بزرگنمایی غیرواقعی و مظلوم‌نمایی صورت می‌پذیرد چه توجیه دیگری دارد» و تصریح کرد: «انتظار می‌رود در این برهه حساس که برخی سودجویان بین‌المللی مدام در حال خرده‌گیری و دشمنی با نظام مقدس جمهوری اسلامی هستند همه دستگاه‌ها همگام و همراه با ملت بوده و در جهت تحقق اهداف عالیه نظام مشارکت کنند. امری که حداقل در ورزش از سوی آن سازمان کمتر دیده می‌شود و ادامه این روند چاره‌ای جز استفاده این سازمان از اختیارات قانونی خود و یا رجوع به سایر مراجع را برای متولیان ورزش کشور باقی نخواهد گذاشت که این امر هیچ‌گاه مدنظر نبوده است.»

بدین ترتیب با توجه به زمزمه‌هایی که در خصوص فشار سازمان تربیت بدنی به توقف برنامه نود به گوش می‌رسید، مدیر شبکه سه سیما وارد گود شد و در گفت‌وگویی با خبرگزاری فارس پشتیبانی خود را از برنامه نود با این جملات نمایش داد: «ماهیت برنامه ۹۰ انتقادی است. طبیعی است که جنبه‌های نقد و بررسی در آن پررنگ‌تر باشد.» مدیر شبکه سه سیما با بیان اینکه «از خداوند می‌خواهیم تحمل آقایان را بیشتر و بر جنبه انتقادپذیری آنها بیافزاید»، عنوان کرد: «برنامه تلویزیونی ۹۰ بدون هیچ تغییری در اجرا و محتوا، مانند

گذشته روی آنتن خواهد رفت.»

اما از منظری دیگر، پرسش‌هایی نیز مطرح می‌شود مانند اینکه آیا به راستی نود همان روایتی را از فوتبال در ایران ارائه می‌دهد که واقعی است یا صرفاً بازنمایی‌ای از واقعیت هاست؟ به عبارتی آیا این برنامه آن چیزی را انتقال می‌دهد که بازتاب واقعی فوتبال ایران است یا چهره مخدوش و دستکاری شده‌ای از آنرا ارائه می‌دهد؟ و پرسش کلیدی‌تر اینکه چرا برنامه‌ای که در دستگاه‌های دولتی تولید می‌شود، گاه اینچنین با گفتار مسئولان رسمی حکومت دچار تناقضات می‌شود؟

نمایش فوتبال در نود

برنامه تلویزیونی نود حدود ده سال است که به طور هفتگی پخش می‌شود. دست کم چهارمرتب‌به‌در ماه، از ویژگی‌های مثبت این برنامه نمی‌توان چشم‌پوشی کرد. نگاه ویژه این برنامه به فوتبال، محوریت مجری برنامه - عادل فردوسی‌پور - و اجرای خاص وی، نگاه نقادانه و موشکافانه به مسائل مرتبط با فوتبال، به چالش کشاندن مسئولان اجرایی، مدیریتی و ورزشی، رودررویی‌های تلفنی، نقد داوری‌ها، صراحت بیان و... این برنامه را از دیگر برنامه‌های ورزشی تلویزیون متمایز ساخته است.

به علاوه این برنامه توانسته است نوعی فرهنگ نقد را که رسانه رسمی در دیگر عرصه‌ها به ویژه سیاسی کمتر بدان می‌پردازد و یا محتاطانه و محافظه‌کارانه با آن برخورد

می کند، در حوزه ورزش فوتبال پذیرفتنی و نهادینه نماید. اما آیا به راستی فوتبالی که نود به نمایش می گذارد چگونه فوتبالی است؟ می توان برنامه را مرور کرد.

پخش صحنه‌هایی خاص و منتخب از بازی‌های لیگ و تیم ملی، تفسیر مفسرانی تقریباً ثابت و ارائه رای، حذف صحنه‌هایی نه چندان موافق با ارزش‌ها و هنجارهای رسمی و تعریف شده جامعه و یا نمایش گزینشی از آن و نیز عدم پوشش اعتراضات تماشاگران و عدم پرداختن به تنازعات و درگیری‌ها در شهرستان‌ها یا پرداختن محافظه کارانه بدان‌ها برای پرهیز از موضع گیری‌های بعدی و در مقابل ارائه اخبار و گزارش‌های جذاب اما نه چندان با اهمیت و حاشیه‌ای از تیم‌ها به ویژه قرمز و آبی‌ها. عدم ارائه اخبار و گزارش‌ها از فوتبال زنان و سکوت در خصوص مسائل مرتبط با آنان نظیر امکان حضور بانوان در ورزشگاه‌ها مسائلی از این دست. از این حیث بود که باید یکی از مردانه‌ترین برنامه‌های تلویزیونی نه از حیث مخاطب که محتوا دانست.

آیا همین ماهیت خاص برنامه نود روایت خاصی از فوتبال در ایران ارائه نمی دهد. روایتی کنترل شده و جرح و تعدیل یافته و گزینشی و نه فوتبال واقعی یعنی آنچه که واقعاً رخ داده و می دهد. بلکه آنچه ساخته و پرداخته و دستکاری شده رسانه هاست که بر ادراک اهالی فوتبال و به ویژه مردم عادی تأثیر می گذارد.

بی تردید رسانه‌ها به واسطه رخنه در زندگی امروزی افراد جامعه قدرتمندند و از اینروست که اطلاعات رسانه‌ای به مرجع تبدیل می‌شوند و برنامه نود یکی از مواردی است که توانسته مخاطبان بسیاری را جذب کند. رسانه‌ها برای جذاب تر شدن برنامه و جذب مخاطبان بیشتر است که روایت مورد نظر خود را ارائه می دهند و رویدادهای فوتبالی و نه خود فوتبال به موضوعی محوری تبدیل می شود و با این کار لذت و هیجان را به وجود می آورند.

تصاویر ارائه شده در این برنامه -و به طور کلی در رسانه‌ها- می تواند یک تیم یا یک بازیکن را به اوج برساند و یا وی را محو سازد و این در فوتبالی که به اعتقاد مجید جلالی - مربی فعلی فولاد خوزستان و سابق تیم ملی- فقط صداهای بلند شنیده و آدم‌های رنگین دیده می شوند،^۲ و حاشیه بر متن غالب است، بازیکنان جنگجالی و حاشیه‌ای بیشتر به چشم می آیند و بازیکنان مستعد و توانا کمتر شناخته و مطرح می‌شوند.

رابطه رسانه دولتی و فوتبال

فرهنگ رسانه دولتی باید بازنمودهایی تولید کند تا منجر به وفاق و توافق در مسایل و موضوعات مختلف و از جمله فوتبال در جامعه‌ای با ویژگی‌ها و مختصات ایران باشد. نود نیز از این قاعده مستثنا نیست و این برنامه نیز نظیر دیگر برنامه‌های تلویزیون دولتی

باید منعکس کننده ارزش‌ها و هنجارهای ایدئولوژیک باشد. به عبارت دیگر اگر بازنمایی را فرایندی در نظر بگیریم که واقعیت از طریق آن در یک گفتمان تعریف و دارای معنای می شود، این گفتمان است که تعیین می کند که درباره یک متن خاص چه می توان گفت و چه نمی توان گفت و لذا باید آنرا در پیوند با قدرت و ایدئولوژی مسلط در نظر گرفت چراکه قدرت به واسطه تولید، توانایی ایجاد حقیقت را نیز دارد.

از اینروست که این برنامه نیز دارای مولفه های یک برنامه دولتی در یک گفتمان رسمی و مسلط می شود و همان نقش و رسالتی برای آن تعریف می شود که از یک تلویزیون دولتی و ملی انتظار می رود.

چالش گفتمان رسانه ای در ایران

علیرغم انتظار گفتمان رسمی از رسانه ها

به عمل در چارچوب سیاست‌های آن، عوامل متعددی که ناشی از خصلت رقابتی، سرگرمی و مخاطب محوری رسانه هاست در کنار تناقض‌ها و تفاوت‌هایی که در سیاست‌های حکومت وجود دارد، به رسانه حتی از نوع رسمی آن فرصتی را برای نقد، ساخت و نمایش آزادانه می دهد و اگر مثال فوتبال از تاثیراتی جهانی و پشتیبانی مردمی نیز برخوردار باشد می تواند تا حدودی خود را از سلطه قدرت و ایدئولوژی مورد نظر آن مصون نگاه دارد؛ آن چنانکه در

مناقشه میان برنامه نود و سازمان تربیت بدنی و فدراسیون فوتبال مشاهده شد.^۴ در حالیکه شاید سازمان تربیت بدنی و فدراسیون فوتبال از یک سازمان همسو انتظار تعدیل برنامه را داشتند، ادامه رویکرد نود به همه پرسى افکار عمومی گذاشته شد و مخاطبان برنامه نود که قبل از این نیز با این برنامه از طریق پیامک در تعامل و رابطه بودند، حمایت گسترده خود را



با فرستادن نزدیک به دو میلیون پیامک اعلام داشتند.

حمایت صدا و سیما از برنامه نود را، که پربیننده ترین برنامه ورزشی تلویزیون نیز هست و در نتیجه وجودش غنیمت است، باید حمایت از مخاطبان بسیار و مردمی دانست که از این برنامه و شخص عادل فردوسی پور پشتیبانی کردند. مخاطبان برنامه، اصلی ترین ثروت و نیاز یک برنامه تلویزیونی محسوب می شوند و همانگونه که فوتبال بدون تماشاگرانش هیچ است، برنامه های تلویزیونی نیز بدون مخاطبان نشان هیچ اند و در صورت موضع گیری و عدم حمایت، تلویزیون مخاطبان میلیونی خود را از دست می داد و این برای یک رسانه فاجعه ای بزرگ به شمار می رود.

طیف گسترده های از مردم مخاطبان این برنامه اند. اعم از مخاطبان حرفه ای که فوتبال را با جدیت و شناخت بیشتری دنبال می کنند تا مخاطبانی که حتی تجربه مستقیم این بازی یا تجربه تماشای مستقیم آن را نداشته اند و فقط توانسته اند از طریق چنین برنامه هایی با قواعد فوتبال و داوری آشنا شوند و به نیاز طبیعی خود برای دریافت اطلاعات پاسخ گویند. از اینروست که برای مخاطبان این برنامه، دوشنبه شب ها شب ویژه ای می شود برای اطلاع و قضاوت از پیشامدها و رویدادهای فوتبال ایران.

اما مشکلات و کشمکش هایی که برنامه نود تاکنون با آن روبرو بوده است نتیجه

تناقضی هایی است که میان گفتمان رسمی و مسلط در ارائه اخباری گزینشی از فوتبال، و با تلاش برنامه نود برای صراحت، پاسخگویی و شفافیت. شکی نیست که از این برنامه - و برنامه هایی اینچنینی - انتظار می رود در چارچوب گفتار تعریف شده مسلط حرکت کنند اما همزمان این برنامه و رسانه ها به طور کلی نمی توانند از ماهیت و نقش خود در جذب، آگاه سازی و سرگرم کردن مخاطبان نیز غافل باشند. از اینروست که سیاست های یک برنامه دولتی گاهی در تقابل با ماهیت خاص رسانه در دنیای جدید قرار می گیرد و همسویی سیاست های صداوسیما با سازمان تربیت بدنی به چالش کشیده می شود اما در برخی موارد هر دو طرف ماجرا به سبب یکسانی دیدگاه و اینکه فوتبال را واسطی می دانند برای انتقال نمادها و ارزش های جامعه اسلامی، مواضع افراطی خود را تعدیل کرده و یا حتی عقب نشینی می کنند. به عبارتی دیگر گرچه فوتبالی که نود ارائه می دهد فوتبال رسانه ای و بازنمایی شده است اما گاهی با گفتار رسمی و مسلط و سازمان های تابع آن نظیر سازمان تربیت بدنی و فدراسیون فوتبال در تضاد و تعارض قرار می گیرد و همین آنرا دوست داشتنی کرده است اما نودی دوست داشتنی تر است که بتواند از آزادی عمل و استقلال رأی بیشتری برخوردار باشد. کمتر جرح و تعدیل شود و واقعیت ها را بیشتر به نمایش بگذارد. ما نیز همچون عادل فردوسی پور امیدواریم روزی فرا رسد که

بدون هشدار، اولتیماتوم و یا حتی کوچکترین نگرانی و دغدغه ای بتوان فوتبال و فوتبالی ها را و البته از آن جمله برنامه نود و مجری آن را نیز نقد کرد.^۵

حمیده فرزانه

ترک‌ها و دولت سایه آنها

افتتاح جلسه رسیدگی به اتهامات یک گروه سیاسی مخفی در ترکیه در ۲۰ اکتبر امسال و تعلیق سریع این رسیدگی در انتهای همان جلسه از عارضه‌ای پرده برداشت که از بدو تأسیس جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۳ - تقریباً همزمان با تشکیل دولت پهلوی در ایران - تحولات سیاسی آن حدود را تحت الشعاع خود دارد؛ یعنی حضور و نفوذ گسترده و مستمر یک گروه سازمان یافته و منسجم از نخبگان نظامی - اطلاعاتی، قضایی و دیوان‌سالار ترک که به رغم کارکرد صوری نهادهای دموکراتیک و منتخب در ترکیه - ریاست جمهوری، پارلمان ... - خود را نگهبان خاص ارزش‌های بر جای مانده از نظام کمالیستی دانسته، در مقام نوعی «دولت سایه» در نهایت زمام امور را در دست‌های خود نگهداشته‌اند.

این پرونده از یک سال پیش و در پی یورش پلیس به آپارتمانی در استانبول آغاز شد که در آن مقادیری نارنجک کشف شد؛ این نارنجک‌ها از همان نوعی بودند که در سال ۲۰۰۶ به سوی دفتر روزنامه جمهوری پرتاب شده بودند.^۱ در ادامه این تحقیقات گروهی متشکل از ۸۶ نفر از افسران عالی رتبه نظامی، ارباب رسانه، چهره‌های دانشگاهی

یادداشت‌ها:

۱. محمد مایلی کهن پس از پانزده روز استعفا داد و افسین قطبی جایگزین ایشان شد.

۲. در فردای برنامه نود با محمد مایلی کهن اعضای کمیته تربیت بدنی مجلس با حمایت از سرمربی جدید تیم ملی به انتقاد از برنامه تلویزیونی نود و مجری آن پرداختند و در بیانیه خود با استدلال به اینکه مایلی کهن یک گزینه ارزشی است، ادبیات فردوسی پور را نامناسب برشمردند و حتی هشدار داده‌اند که با ادامه این روند، و در صورت لزوم مسئولین صداوسیما باید در مقابل نمایندگان پاسخگو باشند. (به نقل از روزنامه خبرورزشی پنج شنبه ۲۰ فروردین ۱۳۸۸، ص ۴) این در حالیست که فدراسیون فوتبال بیانیه مایلی کهن را به استعفا تعبیر کرد و ایشان را برکنار نمود و زمزمه‌ها و تهدیدهای اینچینی را نیز شاهد نبود.

۳. مجید جلالی در گفت و گوی خود با عادل فردوسی پور در برنامه نود نوزدهم اسفند ۱۳۸۷ فوتبال ایران را دارای چنین ویژگی ای برشمردند.

۴. بخش برنامه شب شیشه ای که با اجرای رضا رشیدپور به روی آنتن می رفت به دلیل اعتراضاتی اینچینی متوقف شد.

۵. فردوسی پور در مورد اخیر نیز به سان دیگر موارد سکوت اختیار کرده است و در گفت و گویی کوتاه با خبرورزشی می گوید: روحیه ام را که می شناسید اهل درگیری های رسانه ای نیستم. بنابراین بهتر است سکوت

و روزنامه‌نگاران که نام «ارگنکون»، بر خود نهاده بودند - موطن افسانه‌ای ترک‌ها و یکی از نمادهای رایج پان ترک‌یستی - دستگیر و همان‌گونه که اشاره شد، اخیراً تسلیم دادگاه شدند.

دو ژنرال بازنشسته، سِنِر ارگوئیگور که در حال حاضر ریاست «انجمن اندیشه آتاتورک» را بر عهده دارد و به دست داشتن در طرح یک کودتا بر ضد دولت حزب اعتدال و توسعه متهم است و در کنار او ولی کوچوک که او نیز به دخالت در قتل یک قاضی متهم است، در ردیف اول متهمان جای دارند. و در ادامه نیز می‌توان از الحان سلجوق خبرنگار روزنامه جمهوریت یاد کرد که پرتاب نارنجک بر ضد دفتر آن روزنامه از سوی همین گروه، می‌بایست در چارچوب «تحریکات و تبلیغات سیاه» «ارگنکون» به بدنامی مخالفان منجر گردد.^۲

در اشاره به دیگر اصحاب رسانه، از تونجای اوزکان، روزنامه‌نگار و مؤسس شبکه تلویزیونی «کانال تورک» یاد شده که در سازماندهی تظاهرات عمومی بر ضد دولت فعلی ترکیه، فعال بوده است.

یکی از دیگر چهره‌های مشهور این شبکه یک وکیل دعاوی است؛ کمال کریچسیز که طرح شکایت‌های پی در پی علیه نویسندگان دگراندیش با استفاده از ماده ۳۰۱ قانون جزایی ترکیه از تخصص‌های اصلی او به شمار می‌رود. در کنار بند مربوط به «توهین به ترکیت» که

معمولاً شامل حال نویسندگان کرد و ارمنی می‌شود، مشارالیه از بند «توهین به اسلامیت» که در همان ماده قید شده نیز بر ضد برخی از افرادی که به مسیحیت گراییده‌اند استفاده کرده است. در ادامه نیز می‌توان به دغو پرنچک، رهبر یک گروه ملی‌گرای افراطی اشاره کرد و همچنین عادل سچن رئیس سابق بخش جنایات سازمان یافته پلیس استانبول و کمال یالچین علمدار اوغلو از رؤسای پیشین دانشگاه استانبول ... که خود از گستردگی این شبکه حکایت دارد.^۳

در ادعانه‌ای که در ۲۵۰۰ صفحه از سوی دادستان ارائه شده، سرنگونی و تزلزل حکومت حزب اعتدال و توسعه، که یک گروه میانه‌رو اسلامی است، هدف اصلی این گروه توصیف شده است. طرحی که در آن اجرای عملیات تروریستی و تبلیغات سیاه نقشی اساسی دارد؛ در کنار طرح ترور کسانی چون اردوغان نخست‌وزیر فعلی ترکیه و اورهان پاموک، نویسنده سرشناس ترک... پاره‌ای از قتل‌های سیاسی و مذهبی ترکیه در سال‌های گذشته نیز به این گروه منتسب می‌باشد؛ از جمله ترور هرانت دینک روزنامه‌نگار ارمنی در زمستان ۱۳۸۵ و تعدادی از میسیونرهای مسیحی در سنوات اخیر.^۴

اگر چه پاره‌ای از صاحب‌نظران، با تأکید بر تعلیق ادامه دادرسی، طرح این پرونده را بیشتر به نوعی نمایش قدرت از سوی دولت حاکم تعبیر می‌کنند، تا میل به کشف حقیقت -



و آن را واکنش مقطعی حزب عدالت و توسعه در قبال تحركات حقوقی مخالفان دولت برای غیرقانونی اعلام کردن حزب مزبور در دیوان عالی ترکیه تلقی کرده و در نتیجه به پیگیری آن امیدی ندارند. ولی تردیدی نیست که حتی این طرح بحث کوتاه و گذرا نیز از لحاظ روشن شدن گوش‌های از موانع موجود بر سر راه توسعه دموکراسی در ترکیه مهم و درخور توجه است.

ک.ب.

یادداشت‌ها:

1. S. Taverise & S. Arsu, "86 on Trial in Turkish Coup Case", *New York Times*, Oct. 21, 2008

۲. همان، همچنین:

"Turkey :Turkish Nationalism, Ergenekon "...Forum 18 News Service (www.forum18.org) Oct.21, 2008, & M. Zygar & M. Alizade "Turkey uncover a pro-Russian underground", WPS Agency, Oct.22, 2008.

۳. همان

۴. همان

دو ماهانه چشم‌انداز ایران. ویژه نامه گردستان همیشه قابل کشف ۳. زمستان ۱۳۸۷. ۱۴۴ صفحه. ۲۵۰۰ تومان.

نشریه چشم‌انداز ایران در ادامه توجه و بررسی تحولات نسبتاً پوشیده و ناروشن آستانه انقلاب، مجموعه‌ای را در تلاش در جهت روشن کردن برخی زوایای حوادث گردستان در سال‌های آغازین انقلاب ۵۷ با عنوان گردستان همیشه قابل کشف منتشر کرد. این ویژه نامه که مورد توجه قرار گرفت و بازخوردهای بسیاری در نشریات و سایت‌های اینترنتی داشت (از جمله در شماره ۴۰ فصلنامه گفتگو به آن پرداخته شد) ادامه یافت و ویژه‌نامه ۲ آن نیز پس از گذشت دو سال از انتشار اولین شماره آن در امتداد شماره پیشین منتشر شد. اما این



بار ویژه‌نامه شماره ۳ کردستان؛ همیشه قابل کشف که به نظر می‌رسد جمع‌بندی دو شماره پیشین را دربردارد با ره‌یافتی نسبتاً متفاوت منتشر شده‌است.

اگر موضوع ویژه‌نامه نخست ذکر خاطرات در دوره دولت موقت بود و تلاش می‌شد تصویر واقعی از سیر تحولات ارائه شود و ویژه‌نامه دوم اختصاص به برخی بازخوردها در این خصوص و روایت خاطراتی دیگر در همین یافتن روایت واقعی‌تر برای این پدیده بود، این شماره وجه نظر خود را به مسائل ریشه‌ای‌تر و کلاتتری درخصوص کرد و کردستان و به طور کلی اقوام در ایران دارد و جنبه‌های نظری‌تری را در این پهنه به خود اختصاص داده‌است. این شاید نشان از آن باشد که دست‌آورد ویژه‌نامه‌های پیشین، دست‌اندرکاران تهیه آنها را به آن سو سوق داده‌است که ریشه‌های حوادث و تحولات پایان دهه ۵۰ و آغاز دهه شصت در کردستان را در پاسخ به پرسش‌های کلاتر در خصوص هویت ایرانی، تکثر قومی ایران و تنوع اقوام کرد و غیره بجویند، پرسش‌هایی که در این مجموعه مورد توجه لطف الله میثمی، کاوه بیات، پیروز مجتهدزاده، سکندر امان‌اللهی، محمدرضا خوبروی پاک، حمید احمدی و غیره از وجوه گوناگون قرار گرفته‌است.

فصلنامه فروزش. شماره یکم. زمستان ۱۳۸۷. ۱۲۰ صفحه. ۲۰۰۰ تومان.

در قحط‌سالی دمشق مطبوعه و تولید نوشتاری گاهی خردک‌شررهایی دل‌اهالی کتاب و نشریه را گرم و امیدوار نگه می‌دارد، یکی از این دست اتفاقات دلگرم‌کننده ظهور فصلنامه فروزش در زمستان سال گذشته بر روی دکه‌های روزنامه فروشی است.

موضوع فروزش ایران است، ایرانی که تنها شامل جغرافیای این سرزمین و اتفاقات امروز آن نیست بلکه ایرانی که همه جغرافیای فرهنگی و تاریخ تمدن آن را در برمی‌گیرد.

فصلنامه فروزش که بخش عمده‌ای از مخاطبان خود را در میان «جوانان علاقه‌مند به موضوع‌های میهنی می‌جوید» (ص ۲) شماره

نخست خود را به بخش‌های متنوعی چون تاریخ و فرهنگ، ایرانشهر، جهان ایرانی، ادبیات، ایرانگردی، یادگارهای فرهنگی و طبیعی، و چکامه اختصاص داده‌است که انتظار می‌رود این بخش‌ها را بیش و کم در شماره‌های آینده حفظ کند.

در این روزها که به نظر می‌آید جای گفتار ملی مدرن و دموکراتیک فارغ از افراط-گرایی‌های رمانتیک در پهنه ادبیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ما خالی است، امیدواریم فرورش در شناساندن این گفتار سهمی قابل ارج داشته‌باشد.

